

گزارش بازدید از مسجد جامع شوشی

حامد کاظم زاده *

قره‌باغ یا آرتساخ، با مرکزیت استپاناکرت (خانکندی)، منطقه‌ای کوهستانی است که از زمان شوروی به صورت جمهوری‌ای خودمختار اداره می‌شده. این سرزمین باستانی به دو پارهٔ جلگه‌ای (سفلی) و کوهستانی (علیا) تقسیم می‌شود. بخش سفلی در شمال واقع شده و مرکز آن شهر گنجه است و قسمت کوهستانی آن نیز با عنوان رسمی جمهوری خودمختار قره‌باغ کوهستانی شناخته می‌شود. قسمت کوهستانی تقریباً ۱۲/۵ درصد کل سرزمین قره‌باغ را دربر گرفته است. از نظر موقعیت جغرافیایی قره‌باغ بین ۳۹°، ۲۵' و ۳۰°، ۴۰' عرض شمالی و ۴۷° طول شرقی قرار دارد.

* عضو هیئت مؤسس انجمن دوستی ایران و ارمنستان.

1. Artsakh (Արցախ)

حدود این منطقه در جنوب از پل خداآفرین آغاز می‌شود و به پل شکسته بر روی رود ارس خاتمه می‌یابد. مرز قره‌باغ در قسمت شرقی رود کور است که در روستای جواد (صابرآباد کنونی) به رود ارس می‌پیوندد. رود گوران نیز حد شمالی را از مرز ایالت گنجه تا رود کور تشکیل داده و قلعه‌های کوه‌های کوشیک، سالوارتلی و اریکلی پایان این سرزمین در باختر به حساب می‌آید.

این ناحیه از نظر اقلیمی به سه منطقه آب و هوایی معتدل گرم، معتدل سرد و سرد تقسیم می‌شود. جنگل‌ها، که شامل درختان میوه‌ای چون گردو،

سیب، گلابی، گوجه سبز و زغال اخته هستند، ۳۳ درصد زمین‌های آن را پوشانده‌اند. زمین‌های کوهپایه‌ای زمستان‌های خشک و تابستان‌های ملایم و کوهستان‌های بلند اقلیمی سرد دارند. در جغرافیای تاریخی، از قره‌باغ به منزله سرزمینی پهناور، بلند و صعب‌العبور در شمال رود ارس با یخچال‌های طبیعی و زیبا و جنگل‌های پوشیده از درختان گوناگون در سایه جاودانه کوهستان‌های سر به فلک کشیده یاد شده است.

نام قره‌باغ نخستین بار در آغاز سلطنت آق قویونلوها آمده و سپس، در گاه‌نگار گرجی سده چهاردهم و کتاب نزهة القلوب، نوشته حمدالله مستوفی قزوینی، از آن یاد شده. این نام در نوشته‌های اسلامی و ایرانی به صورت قره‌باغ، قراباغ، قراباق، غراباغ و قاراباغ در پژوهش‌های روسی به صورت ناگورنو کاراباخ؛ و در نزد ارمنیان به صورت آرساک، آرساخ و آرتساخ آمده است. از زمان مغول قسمت جنوبی اران (آران) قره‌باغ خوانده می‌شود. در آثار نویسندگان ایرانی، از این منطقه با نام قره‌باغ اران یاد شده؛ برای مثال،

محمدعلی بن شبانکاره‌ای، از تاریخ نویسان مغول و از شعرای دربار ابوسعید، در کتاب مجمع‌الأنساب؛ عبدالرشید خوافی، معروف به حافظ ابرو، از نویسندگان نیمه دوم قرن هشتم و نیمه اول قرن نهم؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر غازان خان و اولجایتو مغول؛ فصیحی خوافی، نویسنده دوره تیموری؛ و درویش توکل بن اسماعیل بن حاجی محمد مشهور به ابن بزاز اردبیلی، در صفوة الصفاء، نام این سرزمین را قره‌باغ اران ذکر کرده‌اند. سید حسن بن مرتضی حسین استرآبادی، در کتاب تاریخ سلطانی (از شیخ صفی تاشاه صفی)، از این سرزمین با نام‌های قراباق و غراباغ اسم برده است.

نام قره‌باغ از دو بخش «قره+ باغ» به معنی جنگل سیاه تشکیل شده و به گفته بسیاری از پژوهشگران قراباغ به سرزمینی می‌گویند که دارای باغ‌های پهناور و انبوه باشد آن گونه که رنگ سبز درختان از انبوهی به رنگ سیاه متمایل شود. در یکی از نوشته‌های ارمنی آمده است که چون پستی‌ها و دامنه کوه‌های این سرزمین باغ سفید نام داشته بلندی‌های آن را باغ سیاه نامیده‌اند.

به گفته سر روبرت کریپورتر، پژوهشگر انگلیسی و نویسنده کتاب مسافرت به گرجستان و ایران (که در ۱۸۲۱م در لندن به چاپ رسیده)، منطقه قراباغ همان جایی است که در دوران باستان قارابازار یا کارابازار؛ یعنی، بازار بزرگ نامیده می‌شده. این بازار بزرگ نزدیک به نه کیلومتر مساحت داشته و در هفته یک روز فعال می‌شده. در این بازار خیابان‌هایی درست کرده بودند و هرکس می‌دانست برای خرید کالای مورد نیازش باید به کدام خیابان برود. بعدها، در محل این بازار، باغی بزرگ ساخته شد که آن را به نام قراباغ نامیدند.

جمهوری قره‌باغ شامل شش استان آسکران، هادروت، مارتاکرت، مارتونی، شاهومیان و شوشی است.

مسجد جامع شوشی

شوشی^۱ با ارتفاعی بین ۱۴۰۰ تا ۱۸۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد دارای مناظر بی‌همتای کوهستانی پوشیده از جنگل‌های انبوه است. این شهر در دوران ملوک خمسه زیر نظر ملک شاه نظر ارمنی، حاکم واراندا، اداره می‌شد. پس از قتل نادرشاه، پناه خان جوانشیر در ۱۱۲۹ ق به قره‌باغ آمد. وی ابتدا به ساختن قلعه بیات و سپس، قلعه شاه‌بلاغی (به ارمنی ترنکوت) اقدام کرد. پناه خان برای مقابله با خوانین محلی با مشورت و راهنمایی ملک شاه نظر ارمنی دست به ساخت قلعه شوشی در ۱۷۰۰ ق زد. شوشی همواره متشکل از جمعیتی مسلمان و ارمنی بوده اما از نکات قابل توجه اشاره میرزا یوسف قره‌باغی در ۱۸۵۵ م است که اکثر جمعیت این شهر را متشکل از ارمنیان دانسته.

شوشی، که موزه‌های شهری به حساب می‌آید، در حصار قلعه شوشی محصور شده است؛ قلعه‌ایی بی‌همتا در قفقاز که آدمی را به یاد جنگ‌های ایران و روس و جان‌فشانی‌های عباس میرزا به همراه هم‌رزمان مسلمان و ارمنی خویش می‌اندازد، قلعه‌ای که همچنان استوار و زیبا در این کوهستان سر به فلک کشیده آرام گرفته. قلعه شوشی دارای کتیبه‌های متعدد فارسی است که متأسفانه تاکنون بررسی دقیقی از آن به عمل نیامده است.

شوشی، به غیر از قلعه، دارای گورستان‌های تاریخی، سقاخانه‌ها، کلیساها، مساجد (مسجد حسن خان و مسجد مهرنساء) و آثار تاریخی بسیاری است که از معروف‌ترین آنها می‌توان به مسجد جامع شوشی یا مسجد پناه‌خان اشاره کرد. آغاز ساخت این بنای زیبا، که احتمالاً در ۱۱۸۲ ق/ ۱۷۶۸ م به دست ابراهیم خلیل خان جوانشیر افتتاح شده، به سال ۱۶۹۹ ق، در دوره پناه‌خان، باز می‌گردد. بنای عظیم این مسجد، که آن را مسجد گوهریه نیز می‌نامند، در میدان قدیمی و اصلی شهر واقع شده است.

بناهای به جامانده از دوره ابراهیم خلیل خان جوانشیر در قره‌باغ عبارت‌اند از:

- ۱) مسجد جامع که در ۱۱۸۲ ق/ ۱۷۶۸ م افتتاح یا تعمیر و پس از آن نیز به دستور دختر ابراهیم خلیل خان جوانشیر، گوهر‌آغا، مرمت شده است.
- ۲) دیوار قلعه شوشی که در ۱۱۹۸ ق در عرض سه سال ساخته شد.

۱. به ترکی آذربایجانی Şuşa، به فارسی شیشه و شوشی و به ارمنی Շուշի

۳) دو قلعهٔ عسکران که در ۱۲۰۳ ق ساخته شدند.

۴) عمارت واقع در خزینه دره سی.

۵) عمارت خان باغی در یک فرسخی شوشی.

۶) حصار باغ آغ‌دام و گنبد‌های قبرهای پناه خان و فرزندش.

ابراهیم خلیل خان دختری داشت به نام گوهرآغا که مادرش از نجیب زادگان کارتلی گرجستان بود. وی با تعمیر مسجد جامع شوشی و ادامهٔ روند ساخت و ساز شوشی همچون پدر نامی نیک از خود به یادگار گذاشته است. دو کتیبهٔ فارسی، که داخل صحن مسجد قرار دارد، شامل فهرستی از اوقاف و خرج اوقاف مسجد است که هر دو در هفده سطر نگارش یافته‌اند.

در کنار مسجد، بنایی دو طبقه احداث شده که دارای چهار کتیبهٔ فارسی است. بر اساس نوشته‌های کتیبه و صحبت‌های افراد بومی احتمالاً این بنا استراحتگاهی برای مسافران بوده و در برخی از دوره‌ها به منزلهٔ مدرسهٔ دینی از آن استفاده می‌شده است. کتیبه شامل اطلاعاتی در خصوص فردی به نام مشهدی حسین بن شهیدی میرسیاف است که در ۱۳۰۶ ق دکان‌هایی را به مسجد جامع وقف کرده و احتمالاً، این بنا نیز به کمک وی ساخته شده است. میرسیاف از بازرگانان ثروتمند قره‌باغ در قرن نوزدهم میلادی بوده.

وضعیت کنونی مسجد

مسجد گوهریه، که بسیاری از دولتمردان باکو آن را ویرانه‌ای بیش نمی‌دانند و در تمامی رسانه‌ها و اخبار خود ارمنیان را به تخریب آن متهم می‌کنند، هم‌اکنون در حال بازسازی است و هیچ‌گاه نیز مورد بی‌احترامی ارمنیان قره‌باغ قرار نگرفته. با توجه به اطلاعاتی که از ۱۹۹۸ م در دست است این مسجد به علت جنگ و عدم استفاده تقریباً به مخروبه‌ای تبدیل شده بود که خوشبختانه دولت قره‌باغ، با به وجود آوردن آرامش، از ۲۰۰۶ م شروع به بازسازی آن کرده است که همچنان نیز ادامه دارد. تعمیر سقف، خاکبرداری از صحن مسجد، تعمیر کتیبه‌های آسیب دیده، صاف کردن سنگ قبرهای افتاده و نصب

پله‌های جدید از جمله اقداماتی بود که این مسجد مخروبه را به بنایی قابل قبول در شأن نام یک مسجد تبدیل کرده است. البته، بدون تردید این بنا همچنان نیاز به احیاء و بازسازی دارد.

پیشنهاداتی فرهنگی در خصوص شوشی

با توجه به پیشینه تاریخی شوشی، ارتباطات آنان با ایران و وجود آثار تاریخی ارزشمند مربوط به گذشته و فرهنگ کشورمان در این سرزمین نگارنده در زیر پیشنهاداتی را به منظور حفظ این پیشینه و نیز گسترش ارتباطات دو ملت ارائه کرده است:

• کمک به بازسازی آثار ایرانی - اسلامی شوشی یا حتی قره‌باغ مانند مساجد و

قلعه‌های تاریخی با استفاده از کارشناسان میراث فرهنگی ایران.

• احداث موزه‌ای ایرانی - ارمنی در منطقه به علت فراوانی آثار ایرانی در آن.

• ساختن فیلمی در مورد ارتباطات تاریخی شوشی با ایران و آثار تاریخی آن.

• احداث خانه فرهنگی ایران در شوشی و کمک به راه‌اندازی گروه ایران‌شناسی در

دانشگاه دولتی آرتساخ.

